



چرا به مدرسه می‌آیم؟

(بخش دوم)

در بخش اول مقاله، انتظارات و خواسته‌های برحق دانش‌آموزان مطرح و چنین نتیجه‌گیری شد که همه‌ی کودکان برای موفق شدن در تحصیل راهی مدرسه می‌شوند و مهم‌ترین انتظار آنان از مدرسه نشان دادن راه‌های موفقیت به آن‌هاست. در آن بخش از مقاله، با تأکید بر این واقعیت که مدرسه می‌تواند از مهم‌ترین عوامل موفقیت دانش‌آموزان باشد، به برخی از متغیرهای مؤثر در پیشرفت درسی و رفتاری دانش‌آموزان اشاره شد. در بخش حاضر، وظایف مدرسه در زمینه‌ی حمایت از اولیای دانش‌آموزان و نیز نقش و مسئولیت عظیم معلم‌ها در پیشرفت تحصیلی و بهبود رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان، با ذکر شاخص‌های تدریس، بررسی خواهد شد.

کمک به فرزندان در زمینه‌هایی از قبیل سازمان دادن اوقات خود، روش‌های مؤثر مطالعه و درس خواندن؛
انتشار خبرنامه‌های داخلی یا مطالبی برای آگاهی اولیا در حیطه‌های تربیتی، اجتماعی، کمک به فرزندان در زمینه‌ی استفاده‌ی بهینه از منابع و رسانه‌های اجتماعی، آشنایی با رشته‌های تحصیلی و تحولات و نیازهای بازار کار؛
آگاهی بیشتر اولیا از کمک‌ها و حمایت‌هایی که با توجه به شرایط و کمبودهای خانواده، از طرف مدرسه و نهادهای بیرون از مدرسه برای آنان قابل دستیابی است.

نقش و مسئولیت معلم‌ها در پیشرفت تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزان

معلم‌ها، به‌خصوص در پایه‌های اول ابتدایی، از مهم‌ترین و اثرگذارترین شخصیت‌ها در زندگی دانش‌آموزان هستند. نحوه‌ی برقراری ارتباط و رفتار معلم با دانش‌آموزان و حتی ارتباط‌های غیرکلامی او، به‌طور وسیعی در شکل‌گیری شخصیت کودکان و تعیین مسیر زندگی آنان مؤثر است. به همین دلیل، معلم‌ها باید از حالات روحی و روانی و تأثیر پیش‌داوری‌های خود در مورد دانش‌آموزان آگاه باشند تا بتوانند با تشخیص روحیه و نیازهای متفاوت آنان، احترام متقابل را در کلاس خود برقرار کنند. از طرف دیگر، تدریس بهتر به معلم یادگیرنده نیاز دارد؛ معلمی که بتواند پا به پای شاگردان جدید و نیازهای متنوع آنان، و به همراه رشد روزافزون علم و فناوری،

برقراری برابری بین دانش‌آموزان از طریق حمایت و راهنمایی اولیا

یکی از وظایف مدرسه‌ی امروز جبران نابرابری بین دانش‌آموزان، به صورتی است که جایگاه هر فرد در جامعه تنها منحصر به فرصت‌هایی نباشد که در محیط خانواده برای او فراهم است. برخی از خانواده‌ها به دلایل گوناگون، شرایط لازم را برای آماده کردن فرزندان خود برای کسب موفقیت در تحصیل یا درآموزش شیوه‌های ارتباط سالم با هم‌تایان ندارند. کمبود آگاهی و نظارت نداشتن بر فرایند تحصیل فرزندان، نبود مکان مناسب در خانه برای انجام تکالیف یا تحمیل کردن وظایف سنگین خانه به فرزندان، تنها بخشی از موانعی است که بر نابرابری آموزشی بین کودکان متعلق به خانواده‌های فوق با سایر کودکان می‌افزاید.

بررسی روش‌ها و شیوه‌های ارتباط با اولیا در مدرسه‌های موفق جهان نشان می‌دهد یکی از تلاش‌های مهم این مدرسه‌ها، جلب مشارکت اولیا و دعوت از آن‌ها به مدرسه برای گفت‌وگو در مورد مسائل تحصیلی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان است. در این جلسه‌ها، بسیاری از اولیا در مورد اقداماتی که می‌توان در هماهنگی با مدرسه انجام داد، راهنمایی می‌شوند. جلب مشارکت و حمایت از اولیا زمینه‌های متعدد دیگری از جمله موارد زیر را در بر می‌گیرد:

آرائه‌ی آگاهی‌های لازم به اولیا در مورد مراحل رشد فرزندان، نیازهای هر مرحله از رشد و نحوه‌ی پاسخ‌گویی به آن‌ها؛



به‌طور مثال، به تفاوت بین درس حاضر کردن، مرور کردن، حفظ کردن و خلاصه کردن پی‌ببرند. تفاوت بین یادآوری و به‌کارگیری آموخته‌ها، نحوه‌ی تفکر و چگونگی قضاوت عملکرد درسی خود را بیاموزند. بسیاری از دانشجویانی که در دانشگاه‌ها با مشکلات درسی و نبود موفقیت روبه‌رویند، اعتراف می‌کنند که در مدرسه هرگز چگونه یاد گرفتن را به آن‌ها نیاموخته‌اند.

سخن آخر

با توجه به آنچه گفته شد، دستیابی به پیشرفت درسی و تأمین بهداشت روانی، تصادفی حاصل نمی‌شود. برآورده شدن این انتظار، نه تنها علم و تخصص مسئولان، معلمان و سایر کارکنان مدرسه را می‌طلبد، بلکه نیازمند نگرش مثبت همه‌ی بزرگسالان به دانش‌آموزان و احساس مسئولیت در مقابل تک‌تک آنان است.

شکی نیست که مدرسه‌ها در برابر هر یک از کودکان و نوجوانانی که به تنهایی و بدون حمایت بزرگسالان قادر نیستند مسیر عادی تحصیل را طی کنند و آموزش عمومی را به پایان برسانند، مسئول هستند. دانش‌آموزان همان‌گونه که دیدیم، با پیام صادقانه‌ی خود، از ما می‌خواهند نگرش و نگاهی تازه، و خالی از قضاوت و پیش‌داوری به آنان داشته باشیم و همه‌ی آنان را مستحق پیشرفت و موفقیت بدانیم؛ به خصوص آن‌هایی که در عقب کلاس‌ها جای گرفته‌اند، آن‌هایی که غالباً خاموش‌اند و در مقابل سؤال‌های ما سکوت می‌کنند، آن‌هایی که در گذشته به دلایلی از طرف بزرگسالان در خانه یا مدرسه تنبیه، تحقیر یا طرد شده‌اند و به همین جهت از دیگران عقب افتاده‌اند، و آنان که به وسایل کلاس و مدرسه، به همتایان و بیش از همه به خود آسیب وارد می‌کنند.

دانش‌آموزان ما مصرانه از ما می‌خواهند پیش از آنکه نگران تدریس مفاهیم به آن‌ها باشیم، به خواسته‌های اولیه و برحق آن‌ها، و به رویاهای کودکانه و انتظارات آن‌ها از مدرسه توجه کنیم و از همه‌ی امکانات خود برای تحقق خواسته‌های برحق آنان استفاده کنیم. در این صورت، شاید پیش از اینکه خیلی دیر شده باشد، آن‌ها را دریابیم و از سقوط دردناک بسیاری از آنان جلوگیری کنیم.

منابع

۱. بازگان، زهرا و محمدعلی گودرزی (۱۳۷۸). بررسی عوامل آسیب‌زا در مدرسه‌های شهر تهران. انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
۲. بازگان، زهرا (۱۳۹۷). میانجیگری در مدرسه. انتشارات مدرسه.
۳. قنبری، داوود (۱۳۹۴). میانجیگری همتایان در مدرسه. انتشارات شادمان.
4. Pam Law (2011). Les Preequis Pour la succes scolaire des eleves a L'ecole www.Twitter.com/prlow.

دانش، اطلاعات و مهارت‌های خود را به‌روز کند. یک مدیر آموزشی، با تأکید بر چند دهه تجربه‌ی موفق در زمینه‌ی آماده‌سازی معلمان و رشد حرفه‌ای آنان، شاخص‌های تدریس مؤثر را معرفی و توجه معلمان را به نکات زیر جلب می‌کند:

سطح انتظارات خود را از دانش‌آموزان بالا ببرید و سختگیر باشید

دانش‌آموزان خود را با انتظارات ما تطبیق می‌دهند. انتظارات روشن و مشخص داشته باشید و کمک کنید هر دانش‌آموز به اهدافی که برای هر درس تعیین شده است برسد. منظور از سختگیری، دادن تکالیف سخت یا برگزاری امتحانات پی‌درپی نیست، زیرا این روش‌ها ممکن است تنها به افزایش نمره‌ی دانش‌آموز کمک کند، حال آنکه اگر سختگیری همراه با نظارت بر عملکرد دانش‌آموز و حمایت از وی در رفع کمبودهایش صورت گیرد، نمرات درسی هم خودبه‌خود بالا خواهند رفت.

عادت‌ها و مهارت‌هایی برای دستیابی دانش‌آموزان به موفقیت در آنان ایجاد کنید

ما معمولاً به دانش‌آموزان می‌گوییم چه را یاد بگیرند، اما برای اینکه آن‌ها در یادگیری مطالب درسی موفق باشند، لازم است روش‌های یادگرفتن یا چگونه یادگرفتن را هم بیاموزند.